

نشریه ادبیات تطبیقی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۹، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۶

**بررسی تطبیقی اشعار سهراب سپهری و سن ژون پرس
با نگاهی به عرفان شرق دور
(علمی - پژوهشی)**

فائزه طاهری*^۱

فرهاد طهماسبی^۲

چکیده

سهراب سپهری و سن ژون پرس، دو شاعر بزرگ در ادبیات فارسی و فرانسه هستند که ساختار شعر، عرفان، طبیعت گرایی و مضامین مشترک در آثارشان به حدی است که بررسی تطبیقی اشعار این دو را میسر می‌سازد. سپهری و پرس، هر دو با دوری جستن از فضای شهر، به عرفان شرقی و طبیعت برای آرام ساختن روح خود پناه برده‌اند؛ عرفانی که گاه در شعر یکی به عرفان اسلامی و ایرانی و در شعر دیگری به فلسفه اسپینوزایی نزدیک شده‌است. آنچه در شعر هر دو شاعر آشکارا قابل درک است، فاصله گرفتن دو شاعر از جامعه، حوادث و رخدادهای اجتماعی و سیاسی آن است. در این مقاله با بررسی اشعار سپهری و پرس، از دو منظر مکتب فرانسوی و نیز مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، نشان می‌دهیم که دو شاعر که هریک تأثیری ژرف بر شعر سرزمین خود گذاشته‌اند، با فاصله گرفتن از دنیای مدرن در تکاپوی ساخت دنیایی در ژرفای طبیعت هستند.

واژه‌های کلیدی: سهراب سپهری، سن ژون پرس، ادبیات تطبیقی، عرفان شرق دور

^۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (نویسنده مسئول):

faezeh.taheri@gmail.com

^۲ - استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر: farhad.tahmasbi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱/۲۴

۱- مقدمه

سهراب سپهری شاعر و نقاش ایرانی و علاقه‌مند به شرق دور و الکسی لژه (Alexis Léger) با نام مستعار سن ژون پرس (Saint-John Perse)، شاعر و سیاستمدار فرانسوی، که مدتی از عمر خود را در کشورهای شرقی سپری کرد، در میان شاعران کشورهای خود از جایگاهی ویژه برخوردارند. هر دو، در زمینه شعر نو، صاحب سبک بوده و راهی نو را در شعر معاصر ادبیات کشور خویش گشوده‌اند.

۱-۱- بیان مسئله

در کنار ساختار شعری مشابه، وجود مضامینی چون عرفان، طبیعت‌گرایی و شهرگریزی در شعر هر دو شاعر ایرانی و فرانسوی، بررسی تطبیقی آثار این دو را میسر می‌کند. در این پژوهش، ابتدا بررسی تطبیقی اشعار دو شاعر به صورت اجمالی از منظر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی و سپس، مفصل‌تر و از نگاه مکتب آمریکایی ارائه می‌شود. همچنین، تلاش می‌شود که از خلال مضامین مشترک عرفانی و طبیعت‌گرایانه، دلیل رویکرد مشابه سپهری و پرس را به شهر و گریز از آن یافت.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در برخی آثار ادبی،^۱ از منظر مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی، مبتنی بر اصل تأثیرگذاری و اثرپذیری، به مشابهت آثار سپهری و پرس اشاره شده است اما به نظر می‌رسد که این مشابهت را بتوان از منظر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی که به نقد ادبی نزدیک‌تر است نیز مورد بررسی قرار داد.

۱-۳- ضرورت و اهمیت تحقیق

جای خالی بررسی اشعار سپهری و پرس از منظر مکتب آمریکایی از سویی و نیز بررسی نتیجه فاصله گرفتن دو شاعر از جامعه، حوادث و رخدادهای سیاسی و اجتماعی عصر خویش از سوی دیگر، انگیزه اصلی پژوهش پیش روست.

۲- بحث

مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی، بر چگونگی و ماهیت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری میان نویسندگان و آثار ادبی ملت‌ها و زبان‌های مختلف بنا شده است. البته لازمه سنجش ادبیات

ملّت‌های مختلف، اثبات نوعی رابطه تاریخی میان آنهاست؛ از همین روی، پل وان تیگم (Paul Van Tieghem)، «ادبیات تطبیقی را مسیری به سوی شناخت کامل تاریخ ادبیات بین‌المللی می‌داند» (Hombert، ۱۹۳۳: ۷۱۱) و بر مؤلفه تاریخ، تأکید می‌کند.

اگر بپذیریم که «جناح مترقی شعر فارسی، یک شعر تقریباً اروپایی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۱۷)، باید برای بررسی تطبیقی اشعار سپهری و پرس از شیوه مکتب فرانسوی و تکیه‌اش بر تاریخ، اثرگذاری و تأثیرپذیری استفاده کنیم.

از مهم‌ترین تحولات فرهنگی شعر معاصر فارسی در فاصله سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۹ شمسی، ترجمه و انتشار اشعار خارجی است. در این بازه زمانی، مجلات و جُنگ‌های ادبی «هرکدام به نوعی، در نشر نمونه‌های شعر فرنگی و نقد و مانیفست‌های ادبی غربی نقش قابل ملاحظه‌ای داشتند.» (همان: ۷۸-۷۹) به موازات این جریان، آشنایی با زبان‌های خارجی و نیز سفر به کشورهای مختلف، زمینه بهتری را برای تأثیرپذیری از شعر اروپایی فراهم می‌کرد. «او (سپهری)، خود یکی از مظاهر تأثیرپذیری از شعر فرنگی است و بخشی از میراث عمرش، ترجمه‌هایی است که از شعر فرنگی در مجلاتی از نوع سخن نشر داده‌است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۲۲۴)

به‌رغم آنکه در دهه ۴۰ شمسی، تنها چند شعر از منظومه‌های سن ژون پرس به فارسی ترجمه شده بود، تأثیر او بر شعر این دهه، بویژه در حوزه زبان شعری، آشکار است؛ تا آنجا که برخی پژوهشگران، تعدادی از اشعار این دوره را ترجمه منظوم اشعار سن ژون پرس می‌دانند. «سپهری و بعضی دیگر از همسالان او، از شعر سن ژون پرس متأثرند و این تأثیر در حوزه زبان شعر اینان و از رهگذر سپهری، بر روی شعر غالب شاعران نسل جوان تر امری است محسوس.» (همان) پس از این منظر، می‌توان در پی یافتن نشانه‌هایی از تأثیر شعر پرس فرانسوی بر شعر سپهری بود. علاوه بر وجود ردّ پای عرفان شرق دور در شعرهای سپهری، ساختار شعر او، شباهت انکارناپذیری با ساختار مبتکرانه پرس دارد.

۲-۱- فرم بیرونی

شعر سن ژون پرس، با ظاهر غیرمنظم طول ابیات، به شعر آزاد می‌ماند اما او با اشاره به نظم هجایی درونی (Métrique interne) شعرهایش، معتقد است که همین نظم، وجه تفاوت این شعرها با شعر آزاد و شعر منشور است: (Van den Bergh, ۲۰۰۷: ۲)

«اما بیگانه زیر خیمه‌اش می‌زید، برخوردار از پیشکشی‌های شیر و میوه. برایش آب خنک می‌آوردند/ تا دهانش را بشوید، صورتش را و مردی‌اش را.» (پرس، ۱۳۸۶: ۸۸)

شعرهای سپهری نیز با طول متفاوت ابیات، تقریباً به حوزه عروض نیمایی نزدیک است. به‌رغم اقدامات سپهری در زمینه خروج از موازین عروض نیمایی، تفاوت شعر او در شیوه نوشتن مصراع‌هاست و نه در ایجاد یا توسع وزن. (ن.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۹۰: ۷۷)

«آب را گل نکنیم / شاید این آب روان / می‌رود پای سپیداری / تا فروشوید / اندوه دلی / دست درویشی شاید / نان خشکیده فروبرده در آب.» (سپهری، ۱۳۷۹: ۳۴۶)

در اینجا شش مصراع نیمایی، به صورت سه مصراع درآمده که با علامت «/» از یکدیگر تفکیک شده‌اند.

۲-۲- فاوامیزی

تأثیرپذیری شعر سپهری از پرس در زمینه فاوامیزی^۲ که در دهه چهل شمسی در میان شاعران ایرانی گسترش یافت، مشهودتر است. «این شکستن سنت ازدواج درون‌خانوادگی و ایجاد شبکه‌های جدید هم‌نشینی، از طریق فاوامیزی کاری بود که کم و بیش به تأثیر سن ژون پرس در زبان فارسی رواج یافت.» (شفیع کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۱۰)

در این شیوه، شاعر از «برخورد تصادفی دو خانواده ناهمگون از کلمات، بی‌هیچ بار عاطفی» (شفیع کدکنی، ۱۳۹۰: ۷۴) عبارتی ابتکاری خلق می‌کند؛ همچون «سایه دانایی» و «دایره سبز سعادت» در شعر سپهری و «طلیعه‌ای از اندیشه» و «ملال شنزارها» در شعر پرس. نوآوری در محور هم‌نشینی کلمات با کیفیتی انجام می‌شود؛ «پرس غالباً یک طرف عناصر شعرش را از طبیعت و یک سوی دیگر را از زندگی جدید می‌گیرد.» (شفیع کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۱۰) که به کرات در اشعار سپهری مشاهده می‌شود:

«و بلوغ خورشید / و هم آغوشی زیبای عروسک با صبح.» (سپهری، ۱۳۷۹: ۲۷۹)

«حملة لشکر پروانه به برنامه دفع آفات.» (همان: ۲۸۳)

«تابستان فراخ تر از امپراطوری، بر الواح فضا هوایی چند اشکوبه می آویزد.» (پرس، ۱۳۸۶: ۷۶)

سپهری یکی از قلال مرتفع شعر معاصر ایران و «یکی از لطیف ترین صداهاى شعر عصر خود است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۱۰) پس بی‌مناسبت نیست که شعرهای او را از منظر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و به‌منظور یافتن مشابهات، بدون تأکید بر تأثیر و تأثر در کنار اشعار پرس فرانسوی قرار دهیم.

۲-۳- مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و مفهوم ادبیات جهانی

مکتب تطبیقی آمریکایی، با انتقاد تطبیق‌گران غربی و بویژه آمریکایی به مکتب فرانسوی و مفاهیم تأثیرگذاری و اثرپذیری آن، شکل گرفت. این مکتب، ادبیات تطبیقی را مستقل از مفهوم مقایسه ادبیات دو یا چند کشور می‌داند و به مطالعه ادبیات، به‌عنوان یک کلیت معتقد است. همچنین، ادبیات تطبیقی با اشاره به سهم هر ملتی در ادبیات جهان، به مفهوم «ادبیات جهانی» مطرح شده توسط گوته (Goethe) و نیز نقدادبی نزدیک شد.

سهراب سپهری، حتی در «صدای پای آب» و آنجا که شعری از زادگاه خود می‌سراید، به‌وضوح، شاعری است «جهان‌وطنی» (سهولی، ۱۳۸۳: ۴۵) که از محدوده فرهنگ، مذهب و فلسفه سرزمینش فراتر رفته است. حضور آشکار نشانه‌های عرفان شرقی در آثار وی و پرس را می‌توان با این نوع جهان‌بینی مرتبط دانست، هرچند برخی متفکران، این امر را هم نتیجه تأثیر فرهنگ غربی بر شعر معاصر فارسی می‌دانند.

۲-۳-۱- بلاغت: کاربرد صنعت تشخیص

صنعت تشخیص، ویژگی مشترک و قابل‌تأملی است که شعر هر دو شاعر را زنده و جاندار کرده است. تشخیص یا شخصیت‌پردازی، در تمام زبان‌ها رایج است و همانند تشبیه، یکی از ارکان سبکی شعر است. در شعر سپهری، نمونه‌های بارزی از تشخیص وجود دارد و وی بیش از هم‌عصران خود، از این صنعت شعری بهره گرفته است:

«شب گیج در تلاطم امواج/.../امواج بی امان،/از راه می‌رسند/ لبریز از غرور و تهاجم.»
(سپهری، ۱۳۷۹: ۵۸)

از این دست نمونه‌ها که حاصل نگاه خاص و جان‌بخش شاعر به طبیعت است، در اشعار سن ژون پرس نیز قابل مشاهده است:

«همراهان ما، این گردبادهای بلند مسافر، ساعت‌های آبی گام‌زنان بر خاک،...» (پرس، سپانلو، ۱۳۸۶: ۸۲)

«و بر گام‌های شتابناک روز، از این گوشه جهان که از همه‌جا پهناورتر است، که قدرت هر شب به آن تبعید می‌شود، بیوگی شجره افتخار^۳.» (همان: ۷۴)

۲-۳-۲- معنا

الف: عرفان شرقی

پرس، بخشی از عمر خود را در شرق دور سپری کرد و از فرهنگ و عرفان این منطقه، تأثیرها گرفت. سپهری نیز سفرهایی به خاور دور داشت؛ پس شاید بتوان صرف نظر از احتمال تأثیر پرس بر سپهری، وجود نشانه‌های عرفان شرق دور را در اشعار هر دو شاعر، نتیجه تأثیر مستقیم فرهنگ آن منطقه بر آنها قلمداد کرد.

«سپهری به واسطه مسافرت‌هایی که به خاور دور از جمله هند و ژاپن و چین، داشته با آیین‌های این مناطق و به ویژه اعتقادات بودایی و دیگر ادیان این مناطق آشنا شده و از لحاظ اندیشه و سبک بیان شعری و حتی هنر نقاشی سخت از آن متأثر گشته است.» (خدیور، حدیدی، ۱۳۹۰: ۶۲)

به این ترتیب، علاوه بر وجود شعری با عنوان «bodhi»، بسامد عباراتی چون «نیلوفر»، «سبزه» و «چمن» که به پدیده‌های عرفانی-بودایی اشاره دارد، به گونه‌ای معنادار در شعر سپهری بالاست:

«ای خدای دشت نیلوفر! / کو کلید نقره درهای بیداری؟» (سپهری، ۱۳۷۹: ۱۴۷)
«می‌دانم، سبزه‌ای را بکنم، خواهم مرد.» (همان: ۳۳۶)

البته نباید قرابت‌های عرفان شرقی و عرفان ایرانی را از نظر دور داشت. «مکتب خراسان در عرفان، خود آمیزه‌ای از افکار بودایی و چینی و آیین‌های کهن ایرانی و اسلام است.»

(شمیسا، ۱۳۷۶: ۲۰) بدین ترتیب، عرفان سهراب سپهری را می‌توان ادامهٔ عرفان مکتب اصیل ایرانی «مشایخ خراسان» دانست.

تأثیر شرق دور بر اشعار سن ژون پرس، نه در کلمات و عبارات به کاررفته در اشعار که در فضاسازی‌ها مشهود است، چنان‌که شاعر منظومهٔ آنا باز (Anabase)، خود را در شرق و تحت تأثیر تجربهٔ شخصی‌اش از زندگی در این محیط کاملاً متفاوت با دنیای غرب سروده‌است. (ن.ک: Devincenzo، ۲۰۰۹: ۴) این تأثیرپذیری از خاور دور، چنان است که مقالات بسیاری چون «سن ژون پرس و شرق» و «سن ژون پرس و جاذبهٔ شرق» نگاشته شده‌است؛ حتی از پرس در «فرهنگ شرق گرایان فرانسوی‌زبان» نیز نام برده شده‌است. طرز تفکر تائوئیست، نقش مهمی را در خلق «چراغ‌های دریایی» که بر پایهٔ تقابل «ین و یانگ»^۴ سروده شده، ایفا کرده، همچنان که از این دو نیرو، در منظومهٔ «پرنده‌گان» نام برده شده‌است. این منظومه، در ارتباط با نقاشی «نظم پرنده‌گان»، اثر ژرژ براک (Georges Braque)، سروده شده که خالق آن نیز از علاقه‌مندان به عرفان شرق دور و ذن بوده‌است. براک، با ارسال کارتی برای پرس، اقدام او را در پرداختن هنرمندانه به ذن در یک اثر ادبی ستوده‌است. (ن.ک: Pouillon، ۲۰۰۸: ۸۵۶)

ب: پانتئیسم

طبیعت‌گرایی آشکار در اشعار پرس و سپهری، سبب شده تا در اشعارشان رگه‌هایی از تفکر اسپینوزایی و پانتئیست را به نمایش بگذارند و حتی دلیلی باشد برای احترام دو شاعر به عناصر طبیعت.

اسپینوزا که خدا را ذاتی یگانه با طبیعت و همهٔ هستی می‌داند، معتقد است که هر آنچه وجود دارد، در خداست و هیچ چیز نمی‌تواند بدون خدا، وجود داشته‌باشد یا به تصور در آید. (ن.ک: Spinoza، ۱۹۶۵: ۳۵) در اسلام و مسیحیت که سپهری و پرس به آن ایمان داشتند، خدا واجب‌الوجود و انسان ممکن‌الوجود، معرفی شده و در هر دو دین، دیدگاه پانتئیسم اسپینوزا رد شده‌است، چرا که در هر دو، خداوند یکتا و خالق در نظر گرفته می‌شود. باین حال

«اندیشه‌های اسپینوزا در باب لذت و نیز جدایی نفس و بدن از یکدیگر، در آثار پرس آشکار است.» (Camelin, ۱۹۹۵: ۱۶۷)

سهراب سپهری را از آنجا که به طبیعت و همه اجزای آن توجه دارد، پیرو مکتب رماتیسم می‌دانند؛ او طبیعت را همان گونه که هست، کمال یافته می‌داند و از این رو، بیشتر واژه‌های اشعار او از طبیعت گرفته شده است:

«و نگوییم که شب چیز بدی است / و نگوییم که شبتاب ندارد خبر از بینش باغ»
(سپهری، ۱۳۷۹: ۲۹۳)

«و نخواهیم مگس از سرانگشت طبیعت بپرد. / و نخواهیم پلنگ از در خلقت برود بیرون.»
(همان: ۲۹۴)

رماتیسم‌های آلمان، اسپینوزا را متفکر پانتهیست انرژی زندگی می‌دانند (ن.ک: Camelin, ۱۹۹۵: ۱۶۸) فلسفه اسپینوزا در قرن هجدهم میلادی، به عرفان هندو و بودایی نزدیک می‌شود؛ بر پایه طبیعت‌گرایی منبعث از دیدگاه کنفسیوس چین، بودائیسیم هند و شینتوئیسیم ژاپن، همه عناصر طبیعت، دارای روح و قابل احترام هستند. با این حال، شعر سپهری و پرس، از پوچ‌گرایی تفکر شرق دور فاصله دارد.

سن ژون پرس، در بخش هفتم منظومه آناپاز، آشکارا به تفاوت اندیشه‌های اسپینوزا با بودیسم اشاره می‌کند. (همان) این شاعر فرانسوی، با تأثیر از اسپینوزا، طبیعت را یک کل واحد در نظر می‌گیرد که اجزای تشکیل دهنده آن، بدون ایجاد تغییر در آن، بی‌نهایت با هم متفاوت هستند. به همین دلیل است که دریا در منظومه چراغ‌های دریایی، طبیعت «کل» خوانده شده و اجزای آن الهی هستند: «بزرگداشت و ادای احترام به تنوع خدایی.» (Prese, ۱۹۸۲: ۳۳۴)

همین نگاه، در احترام سپهری به طبیعت و یافتن خدا در اجزای آن «کل واحد»، به وضوح مشاهده می‌شود: «و خدایی که در این نزدیکی است / لای این شب‌بوها، پای آن کاج بلند.»
(سپهری، ۱۳۷۹: ۲۷۲)

البته این دیدگاه، خود از عرفان اسلامی و ایرانی تأثیر گرفته‌است. آنچنان که می‌توان خدای سپهری را تلطیفی شاعرانه از آیه «و نحن اقرب الیه من جبل الوریث» دانست (عباسی طالقانی، ۱۳۷۷: ۶۳) و از این روست که خدای او، در تمامی مظاهر طبیعت جاری است. «(خدای سپهری) به خدای (...) شاعران اهل عرفان نزدیک‌تر و شبیه‌تر نیست تا به خدای کنفوسیوس و بودا و لائوتس؟» (همان)

ج: شهرگزیزی

سهراب سپهری و سن ژون پرس، هر دو در فضایی دور از شهر متولد شدند.^۵ هر دو، در عصر پریهایوی پس از انقلاب صنعتی و خشونت پس از آن، رشد کردند و به نماد بشر سرخورده از شهر، شهرنشینی و خشونت تبدیل شدند و از تقابل دنیای مدرن و سنتی سخن گفتند:

«شهر پیدا بود / رویش هندسی سیمان، آهن، سنگ» (سپهری، ۱۳۷۹: ۲۸۰)

«زیر برگ‌های مفرغی کره‌اسبی زاده می‌شود.» (پرس، ۱۳۸۶: ۴۲)

این دو شاعر، در سفر مداوم خود که گاه درونی و گاه در دنیای واقعی صورت می‌گرفت، از وقایع اجتماعی عصر خود و از هیاهوی دنیای ناآرام اطراف فاصله گرفتند. همین مسئله سبب شده تا تحولات سیاسی و اجتماعی دوران، در شعرهای این دو شاعر، به شکل معمول و مورد انتظار بازتاب نیابد. در شعر سن ژون پرس که خود از مسئولان سیاسی فرانسه بوده، آن هم در زمانی که کشورش دو جنگ جهانی را از سر گذرانده است، اشاره آشکار و مستقیمی به وقایع سیاسی و اجتماعی به چشم نمی‌خورد. سهراب سپهری نیز به دلیل نگاه کل‌نگر و نپرداختن به وقایع اجتماعی و سیاسی دوران خود، با سرزنش و انتقادهای جدی از سوی هم‌عصرانش مواجه شد.^۶ این دو شاعر با نگاه متفاوت و منحصر به فرد خود به جنبه دیگری از دنیا، بعدی لطیف‌تر از زندگی را منهای سیاست به نمایش گذاشتند. سپهری می‌گوید:

«من قطاری دیدم، که سیاست می‌برد (و چه خالی می‌رفت)» (همان: ۲۷۹)

و این گونه تلاش کرده تا با فاصله گرفتن از سیاست، به طبیعت و بعد دیگری از انسان نزدیک شود. محمود دولت‌آبادی در گفت‌وگویی عنوان کرده‌است: «این حق را برای خود محفوظ

می دارم که لحظاتی را خالی از- واقعاً- شور و شر این زندگی پر از سرهای بریده، دست کم تا نفسی تازه کنم، با شعر سپهری به سرآورم و چه بد می شد اگر ما سپهری نمی داشتیم.» (محمدعلی، ۱۳۷۲: ۱۴۱)

خشونت در شعر سپهری جایی ندارد و او به سبک طبیعت گرای خود، مخالفتش را با درگیری‌ها و ناآرامی‌های دنیا بیان می کند:

«چون شعر سپهری، همان قدر که به دور از بازتاب خشونت است، همان قدر قابلیت انتقال این معنا را در خود دارد که انسان حق دارد، آرزومند جهانی باشد که در آن، حتی آب جوی را- رعایت تشنگی کبوتری- نباید گل آلود کرد، چه رسد به اینکه لب جوی آب، دم به ساعت، سرهای بی گناه را ببرند.» (همان)

د: مفهوم حرکت و عناصر تخیل

سفرهای پیاپی سپهری و پرس، مفاهیمی با معنای حرکت را چون سفر، مسافر، غربت و بیگانگی، به یکی از درونمایه‌های مهم شعری هر دو شاعر تبدیل کرده است. سن ژون پرس، در توصیف یکی از دوستان شاعرش، او را «بیگانه مسافر و شاعری دلتنگ نه برای گذشته که دلتنگ جایی دیگر» خوانده بود اما خود سن ژون پرس را می توان با همین عبارت، توصیف کرد. (ن.ک: Caduc، ۲۰۰۵: ۵)

«زیرا آفتاب به برج اسد در می آید و بیگانه انگشت در دهان مردگان می نهد. بیگانه. که می خندید و با ما از علفی سخن می گوید.» (پرس، ۱۳۸۶: ۴۲)

«اما بر فراز عمل آدمی و بر روی زمین، بسا نشانه‌ها که در سفرند، بسا دانه‌ها که در سفرند» (همان: ۱۰۰)

به همین ترتیب، مفاهیم سفر و غربت، از درون‌مایه‌های مهم شعرهای سپهری نیز محسوب می شود:

«سفر مرا به زمین‌های استوایی برد.» (سپهری، ۱۳۷۹: ۳۱۹)

«جاده یعنی غربت/ باد، آواز، مسافر و کمی میل به خواب.» (همان: ۳۸۶)

پرس و سپهری، ضمن فاصله گرفتن از اجتماع، با نگاهی متفاوت از نگاه غالب جامعه خویش و به مدد عناصر پویای تخیل، شهری رؤیایی برای خویش می‌سازند که در آن، طبیعت بیش از سایر عناصر به چشم می‌آید. پرس، شهر خیالی آنا باز را در سرزمین آن سوی دنیا بنا می‌کند و در سومین شعر منظومه آنا باز، از «رفتن به دوردست‌ها» و سفر به «جانب دیگر دنیا» و در چهارمین شعر، از «کرانه دیگر» سخن می‌گوید. سپهری نیز فضایی را نزدیک به همین مفاهیم توصیف می‌کند؛ جایی که پشت دریاها و پشت هیجستان قرار دارد:

«پشت هیجستان جایی است / پشت هیجستان رگ‌های هوا، پر قاصدهایی است / که خبر می‌آرند، از گل واشده در دورترین بوته خاک.» (سپهری، ۱۳۷۹: ۳۶۱)

«پشت دریاها شهری است / که در آن پنجره‌ها رو به تجلی باز است.» (همان: ۳۶۴)

همین جای دیگر است که مفهوم حرکت را به درونمایه تمامی دوازده شعر آنا باز تبدیل می‌کند. عنصر غالب در تخیل تولیدی^۷ سن ژون پرس، «هوا» است که بیشتر به شکل «باد» در شعر او ظاهر می‌شود و نشان از حرکت و پویایی دارد:

«باد برمی‌خیزد، با دریا.» (پرس، ۱۳۸۶: ۵۰)

مفهوم حرکت در شعر پنجم، شکل «راه رفتن در تنهایی» (Elbaz، ۱۹۷۷: ۹۸) به خود می‌گیرد. هرچند به نظر می‌رسد که در شعر بعدی، با مسئله سکنتی گزیدن مواجه می‌شویم:

«در بلند جای، دام‌های خویش را برای خوشبختی گسترديم.» (پرس، ۱۳۸۶: ۶۸)

اما به سرعت، فراخوان جدیدی برای حرکت وجود دارد:

«سپس در غرب سال بادها فرا رسید. بر بام‌های وزین به سنگ سیاه ما، بادبان‌های خوشرنگ ما در خرمی افق‌های باز رها شده بود.» (همان)

در شعر سپهری نیز آب، به عنوان عنصری پویا از عناصر اربعه، حضور چشمگیری دارد؛

آب در اندیشه سپهری، آن‌چنان پویاست که شاعر «صدای پای آب» را می‌شنود:

«شاید این آب روان، می‌رود پای سپیداری تا فروشویید اندوه دلی.» (سپهری، ۱۳۷۹: ۳۴۶)

همین اندیشه، سبب می‌شود تا فراخوان به حرکت، بخش مهمی از مفاهیم اصلی شعرهای

شاعر را به خود اختصاص دهد. او از ندایی سخن می‌گوید که او را به رفتن می‌خواند:

«چه کسی بود صدا زد: سهراب؟/.../بوی هجرت می آید: بالش من پر آواز پر چلچله هاست.»
(همان: ۳۹۰-۳۹۱)

۳- نتیجه گیری

آشنایی سهراب سپهری به زبان‌های خارجی و البته انتشار ترجمه چند شعر کوتاه از سن ژون پرس در نشریات، در کنار نزدیکی ساختار شعر و عبارات به کاررفته در آثار این دو شاعر، زمینه را برای این استدلال فراهم می‌کند که سپهری را مطابق مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی، شاعری تحت تأثیر پرس بدانیم اما این شباهت‌ها، تنها به اثرگذاری پرس و تأثیرپذیری سپهری خلاصه نمی‌شود.

شباهت اندیشه سپهری و پرس فرانسوی در طبیعت‌گرایی را می‌توان معلول برخی دیگر از عوامل، همچون مکتب رمانتیسم، عرفان شرق دور، شرایط سیاسی و اجتماعی پرتنش و نیز دوران کودکی سپهری شده در محیط دور از هیاهوی شهر دانست. از آن جهت که مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی، ملت و فرهنگ را بر مرزهای زبانی ترجیح می‌دهد، می‌توان شباهت اندیشه‌های این دو شاعر را در این مکتب، مورد بررسی قرارداد و به این نتیجه رسید که شباهت این دو شاعر، فارغ از مسئله تأثیرگذاری و اثرپذیری، ملهم از تأثیرپذیری هر دو از طبیعت‌گرایی در عرفان شرق دور است.

وحدت‌گرایی، پویایی و شهرگریزی، وجوه مهم اشعار سپهری و پرس محسوب می‌شود که تحت تأثیر فرهنگ، مسلک، جامعه، عصر و زمانه‌ای که هریک در آن زیسته‌اند، به گونه‌ای خاص تجلی یافته‌است. هر دو شاعر در تکاپوی ساخت دنیایی در ژرفای طبیعت هستند و از این روست که از جامعه، سیاست و دنیای مدرن فاصله می‌گیرند و سادگی و آرامش فضایی دور از هیاهو را می‌ستایند. کارکرد عرفان و طبیعت‌گرایی سبب شده تا در شعر این دو شاعر، حتی جایی که از تقابل سخن گفته می‌شود، اثری از خشونت و نفرت وجود نداشته‌باشد.

یادداشت‌ها:

- ۱- دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، در کتاب‌های «ادوار شعر فارسی» و «با چراغ و آینه»، به این شباهت اشاره کرده‌اند.
- ۲- معادل "فاوamیزی" را دکتر شفیعی کدکنی برای معادل واژه لاتین Hybridization برگزیده است. صورت‌نگرایان روس، این اصطلاح را از علوم طبیعی، مانند گیاه‌شناسی، گرفته‌اند و به این معناست که از ترکیب دو ژن متفاوت، موجود زنده به دست آید.
- ۳- این عبارت در ترجمه سپانلو، «بی‌برگی کامل شجره افتخار» ترجمه شده است.
- ۴- ین و یانگ، مفهومی است در نگرش چینیان باستان و تائوواوران، مبنی بر اینکه در همه پدیده‌ها و اشیای غیرایستا در جهان هستی، دو اصل متضاد ولی مکمل وجود دارد.
- ۵- سپهری در کاشان متولد شد و کودکی‌اش را در باغی اجدادی گذراند. همچنین، سن ژون پرس، کودکی خود را در سواحل جزیره زادگاهش گوادلوپ (Guadeloupe) سپری کرد.
- ۶- رضا براهنی در کتاب «طلا و مس»، لقب «بچه بودای اشرافی» را به سهراب سپهری داد و احمد شاملو، شاعر هم‌عصر سپهری، با بیان اینکه «عرفان نابه‌نگام» او را باور ندارد، گفته بود: سر آدم‌های بی‌گناه را لب جوی می‌برند و من دو قدم پایین‌تر، بایستم و توصیه کنم که «آب را گل نکنید».
- ۷- تخیل تولیدی، بر عناصر اربعه استوار است. گاستون باشلار (۱۸۸۴-۱۹۵۴) نظریه پرداز فرانسوی، تخیل، بیشترین مضامین تخیل را مربوط به تصویرهای تداعی شده در عناصر اربعه (آتش، آب، هوا و خاک) می‌داند.

فهرست منابع فارسی**- کتاب‌ها**

- ۱- پرس، سن ژون. (۱۳۸۶). **آنا باز**، ترجمه محمدعلی سپانلو. چاپ دوم. تهران: هرمس.
- ۲- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۰). **ادوار شعر فارسی**. چاپ ششم. تهران: سخن.
- ۳- _____ (۱۳۹۲). **با چراغ و آینه**. چاپ چهارم. تهران: سخن.
- ۴- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). **نگاهی به سپهری**. چاپ هفتم. تهران: مروارید.

۵- عباسی طالقانی، نظام. (۱۳۷۷). **مهمانی در گلستانه**. تهران: نشر ویراستار با همکاری نشر دریچه. محمدعلی، محمد. (۱۳۷۲). **گفت و گو**. تهران: سخن.

- مقاله‌ها

- ۱- خدیور، هادی و حدیدی، سمیرا. (۱۳۸۹). «عرفان سهراب سپهری». فصل‌نامه پژوهش ادبی. شماره ۱۹، صص: ۵۱-۸۲.
- ۲- سهولی، حسن. (۱۳۸۳). «زبان و معنا در صدای پای آب». فصل‌نامه ادبی پویه. دبیرخانه راهبردی زبان و ادبیات فارسی کشور. شماره ۴، صص: ۵۱-۸۲.

- منابع فرانسوی

- 1-Caduc, Éveline, **Saint-John Perse : une philosophie au miroir de la poétique**, Noesis [En ligne], 7 | 2004, mis en ligne le 15 mai 2005, consulté le 17 décembre 2014. URL : <http://noesis.revues.org/23>
- 2-Devincenzo, Giovanna, **Saint-John Perse entre errance et alliance, Les Caraïbes: convergences et affinités**, Publifarum, n. 10, février 2009.
- 3-Elbaz ,Shlomo, **Lecture d'Anabase de Saint-John Perse : Le** ۱۹۷۷ désert, le désir, Paris, L'Age d'Homme,
- 4-Hombert, Joseph. **Comptes Rendus**. Revue belge de philologie et d'histoire.1933, Volume 12.
- 5-Pouillon, François (dir.). **Dictionnaire des orientalistes de langue française**. Paris, Paris, IISM-Karthala, 2008.
- 6-Spinoza, Baruch. **Ethique**, I,15, tra. C.Appuh, Garnier-Flamarion, 1965.
- 7-Van den Bergh, Carla. **Le verset de Vents de Saint-John Perse**, Souffle de Perse n° 12, février 2007.